

پارسی زبانی پنج ہزار سالہ

مصطفی پاشنگ

پارسی

زبانی پنج هزار ساله

نویسنده

مصطفی پاشنگ



انشارات آرون

سرشناسه	: پاشنگ، مصطفی، ۱۳۲۸
عنوان و نام پدیدآور	: پارسی، زبانی پنج هزار ساله / نویسنده مصطفی پاشنگ
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	: ۴۴۴ ص.
شابک	: ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۷۷۳۵ - ۰۸ - ۶
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
موضوع	: فارسی - ریشه‌شناسی - تاریخ
موضوع	: Persian language- Etymology- History-
موضوع	: فارسی - واژه‌شناسی Persian language- Lexicology
رده‌بندی کنگره	: PIR ۲۹۰۵
رده‌بندی دیوپی	: ۴ فا ۳
شماره کتابخانه ملی	: ۷۶۵۷۶۱۴



پارسی، زبانی پنج هزار ساله

نویسنده: مصطفی پاشنگ

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۴۰۰

چاپ صدف: ۵۰۰ نسخه

۱۴۵۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvanashr.ir

شابک ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۷۷۳۵ - ۰۸ - ۶

به نام آفریدگار هستی

فهرست مطالب

بخش یکم: زبانی ۵۰۰۰ ساله	۹
نام‌های کهن و باستانی	۱۱
بازنگری و چکیده سخن	۱۴
نام‌های کهن و باستانی زبان پارسی چگونه ساخته شده‌اند	۱۵
شناسه‌های زبانی زبان پارسی	۱۵
تکوازهای هسته‌ای زبان پارسی	۱۶
بخش دوم: پیوند	۲۰
بازنگری و نگرشی دیگر	۲۴
بخش سوم: پژوهش‌های میدانی	۲۹
کاوش‌ها و مانداک‌های دوران کهن	۲۹
گزارشی دیگر و نگاهی دوباره	۳۴
بخش چهارم: آیین مهر	۳۶
نمادهای هفت‌گانه آیین مهر	۳۹
دیدگاه‌هایی در مورد عدد هفت	۴۰
سخنی دیگر و نگاهی دوباره	۴۷

بخش پنجم: نمادهای دوازدهگانه‌ی آیین مهر	۴۸
نماد یکم: خورشید	۴۸
نماد دوم: زندگی	۵۴
نماد سوم: درخشانی	۵۸
نماد چهارم: زیبایی	۶۷
نماد پنجم: خوشبختی، فراوانی	۷۴
نماد ششم: کوه	۸۰
نماد هفتم: بالندگی	۸۶
نماد هشتم: آموزش، نوآوری ساختن	۹۴
نماد نهم: ور = باغ	۱۰۰
نماد دهم: کا = دوست داشتن	۱۰۱
نماد یازدهم: توانمندی	۱۰۶
نماد دوازدهم: مانته = ساخته شده از خرد	۱۱۲
بخش ششم: ساختمان زبان پارسی	۱۲۱
بخش هفتم: چگونگی زبان پارسی	۱۲۲
زبان پارسی	۱۲۳
شناسه‌های زبانی زبان پارسی	۱۲۴
تکواژه‌های هسته‌ای زبان پارسی	۱۲۴
بررسی	۱۲۹
بررسی از دیدگاه زبان پارسی	۱۲۹
بررسی از دیدگاه زبان فارسی	۱۲۹
بازنگری	۱۳۰
بخش هشتم: زمینه‌های آموزش	۱۳۲
کلید آموزش زبان پارسی	۱۴۰
بازنگری و بررسی	۱۴۴
بخش نهم: اندیشه و زبان پارسی	۱۴۶
خرد در هسته زبان	۱۴۶
خرد گویشور زبان	۱۴۶
۲۴ واک و سه نوا	۱۴۹

۱۵۰.....	تکواژهای ریشه‌ای زبان پارسی
۱۵۶.....	کوتاهی در زمینه تکواژهای ریشه‌ای زبان پارسی
۱۶۴.....	بخش دهم: آموزش همگانی زبان پارسی نه زبان فارسی
۱۷۸.....	بخش یازدهم: دیرینگی
۱۸۰.....	باز هم خورشید
۱۸۸.....	بخش دوازدهم: زبان گزارشگر زمان
۱۹۶.....	بخش سیزدهم: ایران
۱۹۷.....	ایرام - ایران
۱۹۷.....	ایرام - ایران: از دیدگاه زبان‌شناسی
۱۹۹.....	بررسی و ریشه‌یابی از دیدگاه زبان‌شناسی
۲۰۵.....	پادشاهان ایرام کهن
۲۱۶.....	بخش چهاردهم: پادشاهان بالنده ایرام کهن
۲۲۳.....	پهناوری کشور ایرام
۲۲۵.....	به نام بودن و گمنام بودن
۲۳۲.....	بخش پانزدهم: ساختمان زبان پارسی
۲۴۰.....	جاویدان بودن تکواژهای هسته‌ای زبان پارسی
۲۴۳.....	بخش شانزدهم: ۲۴ واک و سه نوا
۲۴۴.....	پارسی فارسی نیست یا فارسی پارسی نیست
۲۴۹.....	بخش هفدهم: زبان
۲۵۱.....	خودآزمایی
۲۵۷.....	افسانه‌ها و زبان و فرهنگ
۲۶۰.....	بخش هجدهم: کاسی‌ها
۲۶۳.....	بررسی از دیدگاه زبان‌شناسی
۲۶۶.....	آیین و زبان

۲۷۱.....	بخش نوزدهم: زبان، زبانگونه، گویش
۳۰۷.....	نگاهی دوباره و بررسی
۳۱۰.....	کوتاهی در زمینه آموزش
۳۱۱.....	بخش بیستم: آموزش زبان پارسی در دوران کهن و باستان
۳۱۵.....	بخش بیست و یکم: پارسی؛ زبانی پیوندی
۳۱۵.....	پیوند شناسه‌های زبانی زبان پارسی
۳۲۵.....	بخش آموزش زبان پارسی به روش ساده
۳۲۶.....	درس یکم
۳۲۸.....	درس دوم
۳۲۹.....	درس سوم
۳۳۱.....	درس چهارم
۳۳۲.....	درس پنجم
۳۳۴.....	درس ششم
۳۳۶.....	درس هفتم
۳۳۷.....	درس هشتم
۳۳۹.....	درس نهم
۳۴۰.....	درس دهم
۳۴۲.....	درس یازدهم
۳۴۲.....	درس دوازدهم
۳۵۰.....	درس سیزدهم
۳۵۴.....	درس چهاردهم
۳۵۵.....	خرد در زبان پارسی و خرد گویشور پارسی‌زبان
۳۵۸.....	زبان پارسی و گویشور زبان پارسی
۳۵۹.....	بازنگری و کوتاهی در زمینه واژگان کاربردی
۳۶۱.....	باز هم کوتاهی در زمینه تکواژهای هسته‌ای زبان پارسی
۳۶۵.....	زبان‌شناسی در جهان
۳۷۵.....	تصویب قانون
۳۸۰.....	بخش بیست و دوم: نگاهی زبان‌شناسانه به زبان پارسی و زبان فارسی
۳۸۷.....	فرهنگ
۳۸۹.....	بسیار ساده اما درست

گفتار یا نگارش ۳۹۱

فرمان - دستور ۳۹۴

بخش بیست و سوم: بن بست زمانی ۳۹۹

زبان پارسی و دستور زبان فارسی ۴۰۷

گروهی از تکواژهای هسته‌ای زبان پارسی ۴۱۱

گروهی از تکواژهای ریشه‌ای زبان پارسی ۴۲۲

کتابنامه‌ها ۴۴۱

بخش یکم

زبانی ۵۰۰۰ ساله

زبان ساخته شده از خرد آدمیان است و مردم هر کشور بسته به دانش و خرد خود برای گزارش نیازهای درونی و بیرونی خود گویش یا زبانگونه و سپس زبانی برای خود ساخته‌اند. زبانی که بتوانند با آن خرد و دانش، آگاهی و نوآوری و هنر خود را گزارش کنند و یا می‌توان گفت که خرد و دانش، آگاهی و هنر و نوآوری مردم یک کشور از آغاز تا اکنون فرهنگ مردم آن کشور نامیده می‌شود و زبان گزارشگر آن فرهنگ است. از سوی دیگر همه‌ی کشورهای جهان دارای یک فرهنگ برابر نیستند. کشوری مانند ایران نزدیک به ده هزار سال فرهنگ و شهرسانی^۱ دارد و روزگاری گسترده‌ترین کشور جهان بوده است و کشورهای کوچک و نوپایی هم بوده‌اند که سال‌ها پس از ایران به شهرسانی رسیده‌اند بنابراین برای همه این کشورها نمی‌توان یک دستور زبان‌شناسی یکسان نوشت، ضمن آنکه هر کشور ویژگی‌های خودش را دارا می‌باشد. از سوی دیگر هنگامی که گفته می‌شود: پارسی، زبانی ۵۰۰۰ ساله است، بی‌گمان هر گویشور پارسی‌زبانی که بشنود شگفت‌زده شده و ده‌ها پرسش به ذهن آن گویشور راه خواهد یافت. مانند:

۱- چه سندهایی مانند سنگ‌نوشته یا کتبه و کتیبه این ۵۰۰۰ سال دیرینگی را گواهی می‌کند؟

۲- گویشوران آغازین زبان پارسی در ۵۰۰۰ هزار سال پیش چه کسانی بوده و چه نام داشته‌اند؟

۳- سرزمین آنان چه نام داشته و در کدام شهر یا روستا و یا سرزمین زندگی می‌کرده‌اند؟

۴- آیا زبان پارسی در ۵۰۰۰ هزار سال پیش هم دارای دستور زبان یا دستگاه نگارش بوده است؟

۵- پارسی‌زبانان ۵۰۰۰ سال پیش چه آیینی داشته‌اند؟

^۱ - شهرسانی: تمدن

۶- آیا زبان پارسی در این ۵۰۰۰ سال دچار سایش زبانی و زمانی نشده است؟

۷- چه واژگانی از زبان پارسی ۵۰۰۰ سال پیش در زبان پارسی کنونی کاربرد دارد تا نشانگر آن باشد. آن زبان پارسی بوده است و دهها پرسش دیگر.

پاسخ دادن به هر کدام از این پرسشها نیازمند یک زمینه‌ی روشن است و نمی‌توان با گمان و گمانه‌ها پاسخی زبان‌شناسانه داد.

از سوی دیگر زبان پدیده‌ی دست آدمیان است. اما در جهان امروز آدمیان نمی‌توانند بدون زبان باشند و نمی‌توانند بدون زبان به اندیشه بنشینند. خود شما نمی‌توانید بدون زبان در زمینه‌ی هیچ چیز اندیشه کنید، زیرا بنیاد زبان خردمندانه است و نمی‌توان گفت که همه‌ی زبان را گویشوران یک زبان ساخته‌اند. زبان را اندیشمندان آن گویشوران ساخته‌اند، زیرا یک اندیشمند است که برای هر پدیده نام می‌گذارد. همچنین یک زبان نمی‌تواند بدون نام باشد. شما نمی‌توانید در گفتار، سخنرانی، یا نوشتن در زمینه‌ی هر چیز بدون نام بنویسید. به ویژه زبان پارسی که بنیادش (نوا + خرد) است و با نامها آغاز شده است. در بخش‌های دیگر این کتاب گزارش خواهد شد که زبان پارسی بر بنیاد نامهای گذاشته شده ساماندهی شده است و فشرده‌ی سخن را می‌توان در سه بخش زیر فشرده کرد:

۱- بدون زبان نمی‌توان به اندیشه نشست.

۲- بنیاد زبان پارسی با نام آغاز شده و با نامها سامان یافته است.

۳- نامها را اندیشمندان و زبان‌شناسان بر همه چیز و کسان گذاشته‌اند، زیرا یک گویشور زبان کمتر در زمینه‌ی زبان خود کنجکاوی می‌کند و یا به اندیشه می‌نشیند و کاری ندارد که واژگان به کار گرفته شده در زبان گفتاری یا گویش او از کدام زبان است و یا چگونه ساخته شده است و یا اینکه نامهای شهرها و روستاها و... را چه کسانی گذاشته‌اند؟

ناگفته نماند که در ایران امروز آموزشها به گونه‌ای است که پرسش‌کننده نداشته باشد و دانش‌آموزان و دانشجویان را به گونه‌ای آموزش می‌دهند که آنچه آموزش داده می‌شود به یاد بسپارند و پرسیده نشود که این آموزه‌ای که آموزش داده می‌شود در زندگی آنان چه کاربردی دارد و نامها که ماندگار چند هزار ساله‌ی نیاکان این سرزمین و بنیاد زبان پارسی است به بهانه نام بودن شایسته‌ی بررسی و ریشه‌شناسی نبوده و نیست. پس شایسته است که در این کتاب بیشتر به نامها پرداخته شود، زیرا همانگونه که نوشته شد بنیاد زبان پارسی با نامها آغاز شده است.

نام‌های کهن و باستانی

همانگونه که گفته شد زبان پارسی نمی‌تواند بدون نام باشد. شما اگر نام‌ها را از زبان پارسی کنار بگذارید، نه سخنور می‌داند که چه گفته است و نه شنونده درمی‌یابد که سخنور چه می‌گوید، زیرا زبان پارسی با نام، بنیاد یافته است و بزرگترین گنجینه نام‌ها از دوران کهن و باستان نام‌های شهرها، روستاها، کوه‌ها و کهریزها سرزمین‌های ایران است. خوشبختانه اندک هم نیست. این درست است که در زبان فارسی (نه پارسی) این نام‌ها را کنار گذاشته‌اند و بزرگان دست‌اندرکار، نام‌های کهن و باستانی ایران بزرگ را شایسته‌ی بررسی نمی‌دانند، اما همان نام‌های کنار گذاشته شده ژرف‌ساخت زبان پارسی است و هزاران پرسش بی‌پاسخ داشته است، مانند:

۱- چه کسی نام کشور ما را ایران گذاشته است. ایران به چه مانیک است (یعنی چه) چگونه این نام را ساخته‌اند؟

۲- نام‌های تهران، رفسنگان، ارسنگان، اوشان، فشم، کاشان، کرمان، کرج و... چگونه ساخته شده است، چه روزگاری ساخته شده است و کدام تیره از پارسی‌زبانان این نام‌ها را گذاشته‌اند؟ و ده‌ها پرسش دیگر.

در هیچکدام از فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها هم ژرف‌ساخت و مان (معنی) این نام‌ها نوشته نشده است و این بسیار روشن و آشکار است که کلید شناخت زبان پارسی در گرو شناخت ژرف‌ساخت نام‌های کهن و باستانی ایران است. نام‌های کهن و باستانی کوه‌ها، شهرها، روستاها، کهریزها، کشتزارها و سرزمین‌های ایران بزرگ که اندک هم نبودند و باید بود در زمینه‌ی شناسایی و ریشه‌یابی نام‌های دوران‌های کهن و باستان پژوهش میدانی و ژرف‌نگر انجام می‌شد. پس از یک برنامه‌ریزی و آماده شدن کاراسته^۱ سرانجام در سال ۱۳۶۰ پژوهش میدانی از استان اراک آغاز شد، اما دست یاری نبود، دست‌اندرکاران فرهنگی هنگامی که نام ایران کهن و ایران باستان را می‌شنیدند ابرو در هم کرده و با خشم نگاه می‌کردند. آن هم به گونه‌ای که انگار از من پژوهشگر میدانی گناهی نابخشودنی سر زده است. کار پژوهش میدانی کار آسانی نیست به ویژه نام‌های کهن و باستانی کوه‌های کشور ایران. در سرما لرزیدن و در بیابان ماندن و گاهی کم شدن و از کوه افتادن دارد. آن هم برای آنکه می‌خواهی بدانی نام یک کوه یا دره در گذشته‌های دور چه بوده و در گذشت روزگاران چه دگرگونی‌هایی داشته و سرانجام نامش چه شده است. گاهی

^۱ - کاراسته: ابزار و آماده‌سازی کار (گاهی به جای مصالح)

گروهی می‌پرسیدند که در این کوه‌ها و بیابان‌ها به دنبال گنج هستی؟ با خنده می‌گفتم درست است، به دنبال گنج هستم، زیرا ژرف‌ساخت این نام‌های کهن و باستانی از دیدگاه من گرانبیهاترین گنج است. اما گنج‌شناس می‌خواهد تا بهای آن بداند.

گاهی از سوی دست‌اندرکاران فرهنگی به سخره گرفته می‌شدم، گاهی دوستانم می‌گفتند که کمی خنده‌دار شده‌ام اما خودم می‌دانستم که خنده ندارد. گریه دارد، زیرا در جایی که کشورهای پیشرفته جهان همه روستاها، شهرها، زبانگونه‌ها و گویش‌های سرزمین خود را شناسایی کرده و در زمینه آن کتاب‌ها نوشته‌اند، دست‌اندرکاران فرهنگی ایران نه تنها پژوهشگران میدانی را یاری نمی‌کنند، بلکه دست هم می‌اندازند. از سوی دیگر برای پاسخگویی به آن هفت پرسش آغازین نیازمند آن بودم که این نام‌ها را با ژرف‌ساخت و هسته و مان (معنی) آنها را بدانم. پس از پنج سال کوشش پیوار تازه کمی با شیوه شناسایی نام‌های کهن و باستانی آشنا شده بودم و بر این باور بودم که باید نام‌های کهن و باستانی شهرها، روستاها، کوه‌ها، سرزمین‌ها و کهریزها شناسایی و ریشه‌یابی شود. اما این یک آرزو بود، زیرا دست‌اندرکاران فرهنگی زبان پارسی را زبان نمی‌دانند. به زبانگونه فارسی دل خوش هستند، از دیدگاه آنان فارسی نان و آب است. اما پارسی گرسنگی و خشم. سال‌ها به درازا کشید، کاری بس سخت و تن‌فرسا و پرهزینه بود آن هم تنها و بدون دست‌یاری. هرگاه هم که به درگاه آن بزرگان رفتم با خشم و بداخمی آنان روبرو شدم. اما کار زیبایی بود و باید انجام می‌شد.

سرانجام تا سال ۱۳۹۸ پژوهش میدانی چند استان از ایران بزرگ به پایان رسید اما نمی‌توانم بگویم که کمبودی ندارد. بی‌گمان کم و کاستی‌هایی دارد. اما تا آنجا رسید که دیگر مرا توان نبود و خسته شده بودم، از تنهایی، از بی‌مهری، از نابرابری و تازی‌گری، اما دست‌آورد بدی نداشت فرهنگ نام‌های استان‌های ۱- تهران؛ ۲- سپاهان؛ ۳- کرمان؛ ۴- لرستان؛ ۵- خوزستان؛ ۶- گیلان؛ ۷- مازندران؛ ۸- اراک؛ ۹- فارس (پارس) آماده شده و به چاپ رسید. در این فرهنگ‌ها نزدیک به ۲۰,۰۰۰ نام کهن و باستانی شناسایی و ریشه‌یابی شده بود و سندها برای گواه بر استواری پژوهش در همان فرهنگ‌ها زیرنویس شده و در کتاب کلید شناخت زبان پارسی، چگونگی ژرف‌ساخت و اندام‌های زبانی زبان پارسی را در چهارچوب زبان‌شناسی پارسی گزارش شده که آن کتاب هم به چاپ رسید. با این دستمایه بی‌گمان بخشی از کار برای پاسخگویی به آن هفت پرسش آماده شده بود. اما باز هم نیازمند آن بود که پژوهش‌هایی انجام شود.

اما پس از انجامش آن و چندین سال در گرما و سرما دویدن دست‌آورد دلخواه نداشت، زیرا برای گویشورانی که به آنان به جای زبان پارسی، فارسی آموزش داده شده است آن هم زبانی که

بیش از ۵۰٪ آن واژگان تازی است. در همه آموزش‌ها به ویژه کتاب‌های زبان‌شناسی آمده است که زبان دست ابزار گویش است، سخنانی در زمینه زبان پارسی برای آنان کمی دور از ذهن است. چون آنان همیشه شنیده‌اند یا گفته‌اند که در کتابی در سده‌های گذشته آمده است و آدم زنده برای آنان سخن نگفته است، هرچه شنیده یا خوانده‌اند مردگان گفته‌اند. از سوی دیگر گفتگوی زبان‌شناسانه در زمینه‌ی زبان پارسی برای آنان شگفت‌آور خواهد بود، زیرا آنان یاد گرفته‌اند که به یاد بسپارند و باور کنند آنچه را که در گذشتگان گفته‌اند اگر من بگویم که زبان پارسی بیش از ۵۰۰۰ سال دیرینگی دارد. مرا نگاه می‌کنند و این تازگی ندارد. در کشورهای دیگر هم همین‌گونه بوده و شاید هنوز هم اینگونه باشد.

«لئونارد مفیلد در کتاب زبان، ترجمه علی‌محمد حق‌شناس» رویه ۶ آورده است: پس زبان‌شناسی در مفهوم مطالعه زبان در مراحل آغازینش قرار دارد و دانشی که اینک زیرا این عنوان فراهم آمده هنوز به صورت بخشی از آموزش رسمی و سنتی ما درنیامده است و آنچه به نام دستور زبان و دیگر آموزش‌های زبانی در مدارس به دانش‌آموزان عرضه می‌شود چیزی جز انتقال و آراء سنتی نیست، از همین‌روست که بسیاری از مردم هنگامی که شروع به مطالعه زبان‌شناسی می‌کنند خود را با دشواری‌های فراوانی روبرو می‌بینند. آن هم نه بر سر درک و فهم شیوه‌ها و نتایج این علم که همگی به اندازه کافی ساده هستند، بلکه بر سر اینکه چگونه گریبان خود را از چنگ انبوه مفاهیم قبلی و تعصب‌آمیز بیرون آورند که از رهگذر آموزه‌های مدرسی رایج بر ما تحمیل شده است.

بی‌گمان در زمینه‌ی زبان پارسی همچنین دیدگاه‌هایی با ادب‌ساری ناخوشایند خود را نشان خواهد داد. اما آنچه که گفته می‌شود از روساخت زبان گفته می‌شود و گفتار در زمان است و با گذشت زمان کمرنگ می‌شود، زیرا روساخت زبان پارسی، زبان در زمان است، اما سخن ما در این کتاب از ژرف‌ساخت زبان پارسی است که از زبان فارسی کنار گذاشته شده و دست‌نخورده و ناب از دوران کهن و باستان به جای مانده است. نباید فراموش کرد که زبان با گویشور زبان شناخته می‌شود و هنگامی بالنده است که آن ماندگارها به کار برده شده و نوشته و خوانده شود. در زمینه آن گفتگو شود، داد و فریاد شود، هم درست گفته شود و هم نادرست و هم درست نوشته شود و هم نادرست. اما نوشته شود. هنگامی که ژرف‌ساخت زبان پارسی کنار گذاشته می‌شود، می‌توان گفت زبان فرهنگ کنار گذاشته شده و زبان در زمان کاربرد پیدا کرده و شناور در زمان است هم دگرگون می‌شود، هم از هر زبانی که رسید واژه می‌گیرد. هم واژگان کلیدی زبان پارسی از چرخه زبان گفتاری کنار گذاشته می‌شود. می‌رود تا ناتوانی، می‌رود تا جایی که از زبان دیگری شناخته شود و پس از گذشت زمان فراموش شود. اما سخن، ژرف‌ساخت زبان

است، زیرا باور بر آن است که ژرفساخت زبان پارسی سال‌هاست که کنار گذاشته شده و شاید از دیدگاه گویشور زبان پارسی فراموش شده است و روساخت زبان پارسی با نیمی از اندام‌های زبانی خود در پهنه زمان سایه روشن می‌شود، آن هم بدون ژرفساخت. این کتاب گزارش‌کننده ژرفساخت زبان پارسی است.

در زبان فارسی یک باور نادرست نام‌ها را از واژگان سوا می‌داند. اما در زبان پارسی ژرفساخت نام‌ها و واژگان یکی است. مانند:

۱- گیتی: (گی + تی) گی: برابر با تکواژ هسته‌ای گی (gi) = زندگی + تکواژ هسته‌ای تی (ti) = آشکار، نمایان (گیتی = زندگی آشکار)

۲- جهان: دگرگون شده جی هُن = (جی + هُن) جی: برابر با تکواژ هسته‌ای جی (ji) = زندگی + تکواژ هسته‌ای هُن (han) = شایسته (جهان = شایسته زندگی)
این ریشه‌یابی را بازتر می‌نویسیم:

گیتی = (گی = زندگی + تی = آشکار) = زندگی آشکار

جهان = (جی = زندگی + هُن = شایسته) = شایسته زندگی

از پیوند تکواژهای هسته‌ای گی (تی) (جی) (هِن) با اندام‌های زبانی دیگر ده‌ها نام و واژه ساخته شده و بر روستاها و شهرهای ایران گذاشته شده است (در زیرنویس: نماد دوم از نمادهای دوازده‌گانه آیین مهر یا آیین زندگی، در همین کتاب آن نام‌ها آمده است).

هنگامی که سخن از ژرفساخت زبان پارسی به میان می‌آید گوهر سخن آن است که گویشور پارسی‌زبان هر واژه‌ای را که به زبان می‌راند از مانیک و گوهر (معنی) آن واژه یا نام که به زبان رانده است، آگاه باشد. مانند اینکه اگر گفت: گیتی: بداند که گیتی = (زندگی آشکار) و هنگامی که گفت جهان آگاه باشد جهان می‌شود (شایسته زندگی).

در بخش‌های دیگر بسیار گسترده‌تر در زمینه ژرفساخت زبان پارسی گزارش خواهد شد.

بازنگری و چکیده سخن

۱- آدمیان نمی‌توانند بدون زبان باشند.

۲- هیچکس یا هیچ آدمیزادی نمی‌تواند بدون زبان اندیشه کند یا بدون زبان نمی‌توان به اندیشه نشست.

۳- واژگان و نام‌های یک زبان را گویشوران خردمند می‌سازند.

۴- یک گویشور زبان پارسی کاری به این ندارد که اندام‌های زبانی در گفتار او از کدام زبان است، زیرا او زبان را تنها دست‌ابزار گویش می‌داند. نهادهای فرهنگی سامان دهنده‌ی زبان هستند.

۵- بنیاد زبان پارسی با نام‌ها ساخته شده است، اما در زبان فارسی نام‌ها شایسته ریشه‌یابی و بررسی نیستند.

۶- زبان پارسی دارای دو بخش است.

یکم: ژرف‌ساخت یا زبان فرهنگ

دوم: روساخت یا زبان در زمان

۷- بزرگترین گنجینه زبان پارسی نام‌ها کهن و باستانی شهرها، روستاها، کوه‌ها، رودخانه‌ها و سرزمین‌ها است که از دوران کهن و باستان از تیرگی زمانه گذر کرده و اکنون مردم ایران به زبان می‌رانند.

۸- کلید شناخت زبان پارسی در ژرف‌ساخت نام‌های کهن و باستانی ایران نهفته است.

۹- اگر نام‌ها را از گفتار و نوشتار کنار بگذاریم نه گوینده می‌تواند دیدگاه و یا خواسته‌های خود را گزارش کند و نه شنونده گفتار بی‌نام را درمی‌یابد.

۱۰- بزرگترین ماندگار دوران کهن و باستان ایران نام‌های کهن و باستانی زبان پارسی است.

نام‌های کهن و باستانی زبان پارسی چگونه ساخته شده‌اند

برای گزارش چگونگی نام‌های کهن و باستانی زبان پارسی در آغاز باید گزارش شود که زبان پارسی دارای چند شناسه‌ی زبانی است و این شناسه‌های زبانی چه ویژگی‌هایی دارا می‌باشند. ناگفته نماند که در کتاب کلید شناخت زبان پارسی بسیار گسترده به ساختمان زبان پارسی و شناسه‌های زبانی زبان پارسی پرداخته شده است. شایسته است که در این کتاب هم بسیار کوتاه و فشرده گزارش شود.

شناسه‌های زبانی زبان پارسی

زبان پارسی دارای پنج شناسه‌ی زبانی است.

۱- تکواژهای هسته‌ای؛ ۲- تکواژهای ریشه‌ای؛ ۳- واژگان؛ ۴- استاک‌ها؛ ۵- رستاک‌ها

روند واژه‌سازی در بخش بزرگی از زبان پارسی به گزارش زیر است:

تکواژ هسته‌ای ← تکواژ ریشه‌ای ← واژگان ← استاک‌ها ← رستاک‌ها

الف: بنیاد زبان بر دوش‌های تکواژهای هسته‌ای زبان پارسی است.

ب: گروهی از تکواژهای ریشه‌ای زبان پارسی از تکواژهای هسته‌ای ساخته می‌شوند.
پ: گروه فراوانی از واژگان زبان پارسی از تکواژهای هسته و تکواژهای ریشه‌ای ساخته می‌شوند.

بی‌گمان دریافت این سامانه زبانی برای شما کمی دور از ذهن است و نیازمند آن است که چگونگی این شناسه‌های زبانی (تکواژهای هسته‌ای - تکواژهای ریشه‌ای) گزارش شود و یا دست‌کم چند همانند آورده شود. تا گوهر سخن رازگشایی شود.

تکواژهای هسته‌ای زبان پارسی

بزرگترین و کاربردی‌ترین شناسه‌ی زبانی زبان پارسی تکواژهای هسته‌ای زبان پارسی است. همه تکواژهای هسته‌ای زبان پارسی دو واکی هستند. (واک = حرف) واک یکم واک (نوا) و واک دوم واک (خرد) نامیده می‌شوند. مانند:

واک نوا	+	واک خرد	=	تکواژ هسته‌ای	=	مانیک
چ	+	ا	=	چا (čā)	=	زیبا
چ	+	و	=	چو (ču)	=	زیبا

واک (چ) واک (حرف) نوا نامیده می‌شود و به تنهایی هیچ گوهر و مانیکی ندارد و تنها یک نوا است. هنگامی نوا می‌گیرد که با واک‌های دوم پیوند شوند.

نوا	+	خرد	=	تکواژ هسته‌ای	مانیک
چ	+	ا	=	چا	زیبا
چ	+	و	=	چو	زیبا

همه تکواژهای هسته‌ای زبان پارسی دو واکی هستند واک یکم واک (نوا) واک دوم واک (خرد) نامیده می‌شود. اگر یک واک دیگر (حرف دیگر) به تکواژ هسته‌ای افزوده کنیم می‌شود تکواژ ریشه‌ای. مانند:

چو + ر = چور = زیبایی، زیبا مانند

نوا + خرد = تکواژ هسته‌ای

پ + ی = پی = آشکار، نمایان (پی: تکواژ هسته‌ای)

پی + د = پید = نمایان، آشکار (پید: تکواژ ریشه‌ای)

بنیاد زبان پارسی بسیار ساده و آموزش آن بسیار آسان است اما نیازمند درنگ بیشتر است، از سویی زبان پارسی دارای ۳۶۰ تکواژ هسته‌ای است و از این ۳۶۰ تکواژ هسته‌ای تنها نزدیک

به ۲۰۰ تکواژ هسته‌ای آن در زبان پارسی کنونی کاربردی است. آموزش ۲۰۰ تکواژ هسته‌ای برای آموزش ریشه‌ای زبان پارسی آنچنان دشوار نیست. نیازمند کمی خودباوری است و کمی رها کردن باورهایی که به جای آموزش زبان ذهن شما را در گرو دارد به زمینه سخن بازمی‌گردیم:

نوشته شد که: بنیاد زبان پارسی با نام‌ها آغاز شد و نام‌ها از پیوند اندام‌های زبانی زیر ساخته شده است.

یکم: گروهی از نام‌ها تنها یک تکواژ هسته‌ای است. مانند:

۱- چا^۱ (čā) = زیبا

۲- جی^۲ (ji) = زندگی

۳- سن^۳ (san) = آموزش

۴- که^۴ (kah) = درخشان

دوم: گروهی از نام‌ها از دو یا سه تکواژ هسته‌ای ساخته شده‌اند. مانند:

۱- چاری گی^۵ (čā.rey.gi) = زیبا و درخشان زندگی

(چا = زیبا) + (ری = درخشان) + (گی = زندگی)

۲- گی چا^۶ (gi-čā) = زیبای زندگی

۳- سن سی لی^۷ (san-si-li) = آموزش زیبایی درخشان

(سن = آموزش) = (سی = زیبا) + (لی = درخشان)

سوم: گروهی از نام‌ها از یک تکواژ هسته‌ای و یک تکواژ ریشه‌ای ساخته می‌شوند.

۱- جی وین (ji-vin) = شناخت زندگی، بینش زندگی، زندگی دیدنی

(جی = زندگی) + (وین = دیدن، دیدنی)

۲- چاگار^۸ (čā gār) = زیبا آفریده شده

(چا = زیبا) + (گار = آفریدن، آفریده شده)

^۱- چا: نام روستایی از شهر آبرد در استان تهران

^۲- جی: ام کوهی در نزدیکی دهستان دشت برم از شهرستان کازران در استان پارس

^۳- سن: نام روستایی از شهرستان شوش در استان خوزستان

^۴- که: نام روستایی از شهرستان کاشان در استان سیاهان

^۵- چاری گی: نام روستایی از شهرستان سبرگان در استان کرمان

^۶- گی چا: نام روستایی از شهرستان رشت در استان گیلان

^۷- چاگار: نام روستایی از شهرستان لامر در استان فارس (پارس)

۳- خامیا^۱ (xā-mayā) = خورشید خرد

(خا = خورشید) + (میا = خرد)

چهارم: گروهی از نام‌ها از دو تکواژ ریشه‌ای ساخته می‌شوند.

۱- ایران (īyrān) (ایر + ران) درخشان آراسته

(ایر = درخشان + ران = آراسته)

۲- چوران^۲ (čūrān) (چور + ران) = زیبای آراسته

(چور = زیبا) + (ران = آراسته)

۳- چورشان (čūr-šān) = زیبای شکوهمند

(چور = زیبا) + (شان = شکوه، بزرگی)

۴- خورمنا^۳ (xur-manā) = خورشید خرد

(خور = خورشید) + (منا = خرد)

با نگاهی به زیرنویس‌ها گزارش شده است که این اندام‌های زبانی نام‌های روستاهای کنونی کشور ایران است که از دوران کهن سینه به سینه و پشت در پشت در چرخه زبان مردم آن سرزمین‌ها و شهرها و روستاها به یادگار مانده است. اما برای آگاهی بیشتر شایسته است که گفته شود اندام‌های زبانی زیر:

چا- چو- چه- چم- سی- سر = زیبایی (تکواژ ریشه‌ای چور- سری- سیار = زیبایی (تکواژ ریشه‌ای) از شناسه‌های زبانی نمادهای دوازده‌گانه آیین مهر یا آیین زندگی است در بخش‌های پس از این، نمادهای آیین مهر گزارش خواهد شد. اما برای دریافت درست نمادهای آیین مهر پیش‌نیاز آن است که گروه فراوانی از تکواژهای هسته‌ای و تکواژهای ریشه‌ای گزارش شده باشد. تا دریافت شناسه‌های زبانی آیین دوازده‌گانه‌ی مهر آسان‌تر شود، ناگزیر برای یادآوری گزارش می‌شود.

۱- بنیاد زبان پارسی (نوا + خرد) است که با تکواژهای هسته‌ای زبان پارسی گزارش می‌شود و گوهر سخن آن است که بنیاد زبان پارسی خردمندانه است و این خرد با ۳۶۰ تکواژ هسته‌ای گزارش شده است و این ۳۶۰ تکواژ هسته‌ای از (خرد + نوا) پیکر یافته است اما در جهان امروز و زبان پارسی امروز (نه فارسی) کمتر از ۲۰۰ تکواژ هسته‌ای کاربرد دارد. برای

^۱ - خامیا: نام روستایی از شهرستان ساری در استان مازندران

^۲ - چوران: نام روستایی از شهرستان رفسنگان در استان کرمان

^۳ - خورمنا: نام روستایی از شهرستان داران در استان سپاهان

فراگیری بهتر نیازمند آن است تا دوباره کوتاه و فشرده تکواژهای هسته‌ای زبان پارسی گزارش شود.

نوا + خرد = تکواژ هسته‌ای

چ + ا = چا = زیبایی

چ + و = چو = زیبایی

گروه فراوانی از نام‌ها و واژگان زبان پارسی از پیوند این دو تکواژ هسته‌ای (چا - چو) ساخته شده‌اند در بخش پیوند گزارش می‌شود.